



گوناگون اعم از مخالفت با دستورات خداوند یا معارضه و عناد در برابر رهبران و پیامبران و کشتن ایشان گفتگو برفت و هر يك مورد توبيخ و سرزنش قرار گرفت و حتی پس از اعتقاد این قوم به موسی و مشاهده آن همه معجزات و نجات ایشان از زیر بار جور و قهر ستمکاران فرعونى و اخذ پیمان در ایمان و عمل به تورات، باز میثاق و عهد الهی را رعایت نکرده از توحید و یگانه پرستی سر باز زده گوساله پرست شدند.

### [رذخیات باطل]

و شگفت این جا است، با ارتکاب همه این امور مخالف با عقل و وحى، چنان تسویلات نفسى و القائات شیطانى ایشان را بفریفت، که نه تنها احساس شرمندگى و حال استغفار در برابر ایشان دست نداد، بلکه گفتند: شنیدیم و عصیان کردیم و با همه این احوال باز پیش خود چنین انگاشتند، که در سرای آخرت بهشت و همه نعمت های الهی ویژه آنها است و با این فکر پوچ و واهى دل خوش نمودند؛ همان گونه که این قبیل افکار پست و ناصواب و بی پایه و اساس که بر مبنای تخیلات ذهنی استوار است، در جوامع بشری و در سطوح مختلف مذهبى و غیر مذهبى پیوسته رواج دارد، که بر پایه تسویل نفسى و امور رؤیائی یا به خاطر اغفال و گول مردمان دانسته و ندانسته بازگو مى شود و نوعا سرکرده های منحرف شیطان صفت با خدعه و نیرنگ، توده ساده لوح را مى فریبند.

پیدا است باز گوئى این صفات در آیات قرآنى از قوم بنى اسرائیل خود تذکرى است به نوع بشر؛ تا هیچ گاه دچار این گونه توهمات نامعقول نشده و در مشى و رویه خویش بیندیشند و راه را از چاه به نیروى عقل و فهم، باز شناسند و از خدای خود بخواهند که ایشان را از راه تاریک و غلط و خلاف سرشت و خرد برهاند و به ودای حق و نور سوق دهد؛ بارى برای این که این قبیل اعتقادات ناروا و تو خالی و گفتار بیهوده و از حقیقت عارى ایشان، بر خود و دیگران روشن و مبرهن گردد، که هیچ يك را پایه و اساس نیست جز وهم و خیال یا فکر و شیطنت و در عین حال اهتمام و تذکرى باشد، برای آدم شدن و بطریق حق پیوستن، فرمود:

﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (۹۴).

بگو اگر سرای بازپسین در نزد خدا ویژه شما است نه سایر مردم، پس چنان که راستگوئید، آرزو و تمنای مرگ کنید. یعنی: اگر به این مدعا ایمان دارید پس شما را چه درد و مرضی است که این گونه سخت و محکم به دنیا چسبیده و آن دستگاه و سرای عالی و عظیم و پر نعمت را رها کرده اید و از منجلاب فساد و کثافت دنیا دست برنداشته و به جایگاه ابدی و سراسر آرامش و خوشی نمی روید! چنان که طایفه نصاری در آیه ای دیگر، به همین نحو مدعی شدند.

﴿وَلَنْ يَتَمَنَّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ﴾ (۹۵).

و هرگز آرزوی مرگ نکنند همواره، به خاطر آنچه که پیشاپیش به دست خویش فرستادند.

یعنی: خود به خوبی آگاهند که چه فساد و جنایت ها که مرتکب شده اند و چه جرم ها و خیانت ها که از ایشان سرزده تا آنجا که هم اکنون زیر بار امر رسالت و اسلام نمی روند.

﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾

و خدای دانا است به مردم ستمکار. که با ارتکاب گناه به خویشتن ستم نمودند و شگفتا که ایشان نه تنها آرزوی مرگ نمی کنند بلکه:

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ (۹۶).

و قسم به خدا، می یابی آنان را آزمندترین مردم به زندگی دنیا [همان زندگی پست و پلید و تبه کارانه، که از تنوین «حیوة» و نکره بودنش پیدا است] و حتی حریصتر از کسانی که به بت پرستی گرائیدند.

گرچه عنوان «ناس» مردم بت پرست را نیز شامل است، ولی تخصیص به ذکر یافت، از آن جهت که ایشان را اعتقادی به سرای دیگر و روز پاداش و حسابی نبوده و نوعاً لازمه چنین ایمانی حرص و ولع زیادتری است در بهره برداری از دنیا و در نتیجه توییح و سرزنش بیشتری نسبت به یهود، که حتی عملاً شما از چنین مردمی هم رغبت



و افزون خواهی تان به زرق و برق دنیا با هر صورت و کیفیت حادثتر است و شدیدتر.

### ﴿يَوْمَ أَحَدُهُم لَوْ يَعْمُرُ أَلْفَ سَنَةٍ﴾

دوست دارد هر یکیشان که ای کاش عمرش دهند هزار سال.

### ﴿وَمَا هُوَ بِمُزْحَازِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يَعْمُرَ﴾

و عمر دراز هیچ يك از آنان را از عذاب دور کننده نیست. که در ترکیب، جمله ﴿ان يعمر﴾ به تأویل مصدر و فاعل ﴿مزحزحه﴾ است، که اضافه شده به سوی ضمیر مفعولی یعنی: فرضاً اگر این آرزو تحقق و جودی هم پیدا کند و مدت هزار سال هم عمرش به درازا کشد، باز این طول عمر او را از عذاب الهی نجات نخواهد بخشید.

### ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ﴾ (۹۷).

بگو هر کس که دشمن جبرئیل است پس هم او دشمن خدا است.

جمله: ﴿فهو عدو الله﴾ جواب شرط در تقدیر است، زیرا، امر وحی به جبرئیل ارتباط ندارد و خداوند او را مأمور و موظف نموده است تا آیات و وحی را به رسول اکرم که از بنی اسماعیل است، نازل کند؛ در شان نزول، از برخی روایات من جمله در احتجاج شیخ طبرسی، از ابی محمد از جابر بن عبدالله نقل است که گفت:

چون رسول خدا به مدینه وارد شد، یهودیان با عبدالله بن ضوریا که غلام اعور یهودی بود، به خدمت حضرتش آمدند، در حالی که از نظر یهودیان داناترین فرد به کتب آسمانی و علوم انبیاء بوده و مسائل زیادی را مورد پرسش از حضرت رسول، قرار داده است، که بیشتر جنبه «تعنت» داشته، نه درک حقیقت و نوعاً غرض از این گونه سئوالات ایجاد تعب و رنج در مخاطب است.

باری، حضرت همه را پاسخ فرمود و او هم تسلیم شد؛ سپس گفت: ای محمد این خبرها و آیاتی را که بر مردم می خوانی واسطه اش بین تو و خدا کیست؟ فرمود: جبرئیل؛ در این موقع چون او را جوابی نماند، در مقام بهانه برآمده عرضه داشت: اگر واسطه وحی جبرئیل نمی بود و به جایش فرشته ای چون میکائیل یا اسرافیل بود، ما به تو ایمان می آوردیم، ولی او دشمن ما است و لذا، ما را از ایمان به اسلام معذور بدار؛ حضرت فرمود: چرا جبرئیل را دشمن گرفته اید؟ گفت: چون بلا را بر بنی اسرائیل وارد می کرد؛ که اشاره است به داستان بنو کد نصر یا بخت



نصر پادشاه بابل، که مردی خونریز و سفاک بود و به اور شلیم و بیت المقدس لشکرکشی کرده مرکز یهودیان را به تاراج می‌گیرد و همه جا را خراب نموده آتش می‌زند و عده زیادی را کشته و جمعی را اسیر و به بابل می‌برد و این جریان قبلاً در تاریخ به وسیله انبیاء اعلام شده بود، که چنین حادثه‌ای در میان یهود به وقوع خواهد افتاد و حتی بنی اسرائیل را تصمیم بر این بود، که او را در اوان کودکی از میان بردارند.

و به همین واسطه به دانیال پیغمبر متوسل، تا او را بکشد، ولی هنگامی که دانیال عزم کشتن بخت نصر می‌کند، جبرئیل به فرمان خداوند بر او نازل و او را از انجام آن مانع می‌شود؛ لذا، طایفه یهود به زعم خویش جبرئیل را دشمن خود پنداشته و به عکس میکائیل را سمبلی از رحمت پروردگار تلقی می‌نمودند و لذا، حضرت فرمود: «ویحک» - وای بر تو - آیا ندانی که جبرئیل مطیع و فرمانبر خدا است؟ و او را گناهی نیست، مأموریت از جانب حق انجام می‌دهد و اگر نزول عذابی هست به خاطر سوء رفتار و کرداری است که مردم مرتکب می‌شوند و انزال آن را به جبرئیل ارتباطی نیست تا با او دشمن شوید.<sup>۱</sup>

و آیه اشاره به همین معنا است:

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ﴾ (۹۷).

بگو: هر کس جبرئیل را دشمن است، پس به درستی که او قرآن را بر قلب تو به

۱. وقال ابو محمد عليه السلام: قال جابر بن عبد الله الانصاري: سال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عبد الله بن سوريا غلام يهودي اعور تزعم اليهود انه اعلم يهودي بكتاب الله وعلوم انبيائه عن مسائل كثيرة يعنته فيها فاجابه عنها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بما لم يجد إلى إنكار شيء منه سبيلا. فقال له: يا محمد من ياتيك بهذه الاخبار عن الله؟ قال: جبرئيل. قال: لو كان غيره ياتيك بها لأمنت بك ولكن جبرئيل عدونا من بين الملائكة، فلو كان ميكائيل أو غيره سوى جبرئيل ياتيك لأمنت بك. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لم اتخذتم جبرئيل عدوا؟ قال: لانه ينزل البلاء والشدة على بني إسرائيل، ودفع دانيال عن قتل بخت نصر حتي قوى امره واهلك بني إسرائيل، وكذلك كل باس وشدة لا ينزلها إلا جبرئيل، وميكائيل ياتينا بالرحمة. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ويحك اجهلت امر الله وما ذنب جبرئيل إلا ان اطاع الله فيما يريد بهكم؟ ارايتم ملك الموت هل هو عدوكم وقد وكله الله بقبض ارواح الخلق، ارايتم الآباء والامهات إذا اوجروا الاولاد الدواء الكريهة لمصالحهم ايجب أن يتخذهم اولادهم اعداء من اجل ذلك، لا ولكنكم بالله جاهلون وعن حكمه غافلون. اشهد ان جبرئيل وميكائيل بامر الله عاملان وله مطيعان، وانه لا يعادي احدهما إلا من عادى الآخر، وان من زعم انه يحب احدهما ويبغض الآخر فقد كفر وكذب، وكذلك محمد رسول الله وعلى اخوان كما ان جبرئيل وميكائيل اخوان فمن احبهما فهو من اولياء الله ومن ابغضهما فهو من اعداء الله، ومن ابغض احدهما وزعم انه يحب الآخر فقد كذب وهما منه بريتان والله تعالى وملائكته وخيار خلقه منه برآء. الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۶ - ۴۷.



دستور و اجازه خداوند نازل نموده. همان گونه که بلاها و صدمات و عذابهایی که بر بنی اسرائیل وارد شده، باز به اذن و فرمان الهی است.

### ﴿مصدقاً لما بین یدیه﴾

در حالی که تصدیق کننده و باور دارنده است مر آنچه را پیش از آن هم بوده. اعم از تورات و انجیل یا صحف ابراهیم و زبور داود و همه گفتار و مطالب حق آنها را تصدیق می کند، من جمله بشارت به نبی آخر الزمان را و اینک، راستی و درستی آن را تحقق خارجی می بخشد.

### ﴿وهدی وبشری للمؤمنین﴾

و راهنما و مژده بخش است در مقام فعلیت، برای کسانی که گرونده اند. یعنی مردم با ایمان، آن را به مقام فعلیت در می آورند و الا در مقام شانیت قرآن مجید راهنما و نوید بخش برای همه توده ها است، منتها این مؤمنینند که آن را تحقق عملی و وجودی می بخشند و به همین واسطه ایشان را تخصیص به ذکر فرمود.

﴿من كان عدواً لله وملائكته ورسوله وجبريل وميكال فإن الله عدو للكافرين﴾ (۹۸).

کسی که دشمن خدا و فرشتگان او و رسولانش و جبرئیل و میکائیل باشد، پس همانا که خداوند دشمن است مر ناسپاسان و ناگرویدگان را. زیرا دشمن هر یک از آنان در زمره مردم کافر قلمداد می شود.

﴿ولقد انزلنا إليك آيات بينات وما يكفر بها إلا الفاسقون﴾ (۹۹).

نقل است که برخی به یهودیان گفتند:

که چرا ایمان به رسول خدا نمی آورید؟ با این که وعده هائی که در تورات به شما داده شده و در انتظارش بودید، اینک تحقق خارجی پیدا نموده؛ در پاسخ گفتند: که رسول را نشانه ای بر صدق دعوت خود نیست و آن نشانه ها و علائم که در تورات است با او انطباقی ندارد؛ خداوند در قبال چنین گفتار ناروایی فرمود:

و قسم به ذات خود، که هر آینه ما فرستادیم به سوی تو دلائل و نشانه هائی بسیار روشن و آشکار؛ [یعنی سخنان ایشان یکسره باطل؛ و این چنین نیست که ما برای حقانیت تو حجّت و آیاتی روشن فرستاده باشیم و نشانه های تورات با بعثت تو تطبیق ندهد؛ بلکه صرفاً بهانه ایست می آورند، که از پذیرش اسلام سر باز زنند و

